خبر روز

## احتمال وقوع طوفان گرد و خاک

**ایسنا:** اداره کل هواشناسی استان تهران نسبت به وزش باد شدید و احتمال وقـوع طوفان گرد و خاک و کاهش کیفیت هوا به‌ویژه در مناطق جنوبی این استان هشدار داد. اداره کل هواشناسی اسـتان تهران با انتشار اطلاعیه‌ای از صدور هشدار نارنجی‌رنگ هواشناسـی به سبب «افزایش محسوس تندی وزش باد» خبر داد و اعلام کرد: «از امروز (۱۲ بهمن) تا دوشنبه (۱۳ بهمن) در بعضی ساعات وزش باد شـدید پیش‌بینی می‌شود». اداره کل هواشناسی اسـتان تهران افزوده است که وزش باد به‌ویژه نیمه جنوبی و غربی و ارتفاعات شـمال شرقی تهران را تحت تأثیر قـرار می‌دهد و در این مناطق طی بعضی سـاعت‌ها به‌ویژه ظهر یکشـنبه تا ظهر دوشنبه وزش باد خیلی شدید خواهد بود. در این شرایط احتمال وقوع طوفان گرد و خـاک وجود دارد و کاهش کیفیت هوا و دید موقت به‌ویژه در مناطق جنوبی دور از انتظار نیست. اداره کل هواشناسی استان تهران همچنین پیش‌بینی پنج روزه هوا را نیز منتشـر و طبق واکاوی الگوهای همدیدی و بررسی نقشه‌های پیش‌یابی، آسمان سه روز آینده این استان را به‌طورکلی کمی ابری تا قسمتی ابری همراه با وزش باد، گاهی با افزایش ابر و وزش باد شـدید پیش‌بینی کرده اسـت. اداره کل هواشناسی استان تهران همچنین با اشاره به هشدارهایی که پیش از این صادر شده، اشاره کرده است که تهران تا روز دوشنبه (۱۳بهمن) در بعضی ساعت‌ها با افزایش ابر و وزش باد نسبتا شدید تا شدید و در ارتفاعات گاهی با کولاک برف روبه‌رو خواهد بود.

## اهدای بیش از ۲ میلیون واحد خون

معاون اجتماعی سـازمان انتقال خون گفـت: دو میلیون و ۱۱ هزار و ۴۷۶ واحد خون طی ۱۰ ماهه نخست امسال در سراسر کشور اهدا شده که سهم زنان از این میزان پنج درصد است. بابک یکتاپرست افزود: «اگرچه در ۱۰ ماهه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته آمار اهدای خون افزایش اندکی را نشان می‌دهـد، اما ایـن افزایش کمتر از سـرعت فزاینده نیاز بیمارسـتان‌ها به خون و فراورده‌های آن اسـت». او ادامه داد: «استان زنجان با ۱۳ درصد رشد، سیستان و بلوچستان و استان اصفهان به ترتیب با رشد ۱۰ درصد و ۸ درصد بیشترین توفیق را در جلب مشـارکت اهداکنندگان خون طی سـال جاری داشته‌اند». یکتاپرست شـاخص اهدای مستمر را طی مدت یادشده بیش از ۵۵ درصد اعلام کرد و افزود: «استان سمنان هم‌اکنون بیش از ۶۹ درصد خون اهدایی را از اهداکنندگان مستمر به دسـت می‌آورد و در این شاخص پیشتاز است و پس از این استان، قم و گلستان با نزدیک ۶۷ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند». معاون اجتماعی سازمان انتقال خون آمار اهدای خون زنان طی ۱۰ ماه سـال جاری را پنج درصد اعلام کرد و افزود: «زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و بخش مهمی از خون اهدایی به مصرف زنان در حین زایمان و نوزادان می‌رسد». یکتاپرست افزود: «طی مدت یادشده اسـتان تهران نزدیک به ۱۶ درصد خون اهدایی کشور را تأمین کرده است و این استان پرمصرف‌ترین استان کشور از نظر خون و فراورده نیز هست».

یادداشت

## ابرقدرت در تله تاریخ

ادامه از صفحه اول

میدانی که هر قدم در آن، سـال‌ها هزینـه دارد و توان و تمرکز آمریکا را از میدان‌های اصلی رقابتش در آسـیا و اروپا دور می‌کند. و اگر برای پرهیز از این هزینه، از موضع سـنتی خود در منطقه عقب‌نشینی کند، با خلأیی روبه‌رو می‌شـود که رقبایش بی‌درنگ آن را پر خواهند کرد و اعتبار تعهدات امنیتی‌اش را در سراسـر جهان خدشـه‌دار خواهد کرد. این همان نقطه‌ای است که در آن، هر گامی که آمریکا بردارد، زمین زیر پایش می‌لرزد.

ریشـه این تنگنا در دگرگونی ساختار قدرت جهانی نهفته است. دوران سیطره بلامنازع به پایان رسـیده، اما قواعد بازی تازه هنوز نوشـته نشده است. جهان در مرحله‌ای آزمایشـی و شکننده به سـر می‌برد. آمریکا می‌کوشد وزنه نفوذ خود را در خاورمیانه حفظ کند، حال آنکه رقبایی قدرتمند، هر حرکتش را با دقت ارزیابی می‌کنند. همین حساسـیت، ایران را به کانون این آزمایش تبدیل کرده است. ایران امروز تنها یک چالش امنیتی نیست. محکی است برای سنجش توانایی واشنگتن در سـازگاری بـا قواعد یک جهـان چندکانونـی. در چنین وضعیتی، هر اشـتباه محاسـباتی می‌تواند پیامدهایی فراتر از منطقه داشته باشد. با این حال، در دل این پیچیدگی به ظاهر بیراه، راهی برای مدیریت بحران وجود دارد و آن گفت‌وگو است. اما این گفت‌وگو دیگر آن میز آشـنا با قواعد ثابت گذشـته نیسـت. موازنه نیروها تغییر کرده اسـت. نیاز آمریکا به یافتن راه‌حلی کـه آن را هم در منطقه و هم در رقابـت کلان با قدرت‌های دیگر تضعیف نکند، اهرمی بی‌سـابقه در اختیار تهران قرار داده اسـت. واشنگتن ممکن است برای پرهیز از بدترین سناریوها، میز مذاکره را جدی بگیرد و آماده شـنیدن خواسته‌های طرف مقابل هم باشد. خواسته‌هایی که بازتاب‌دهنده واقعیت‌های تازه در نقشـه منطقه اسـت. این، فرصت راهبردی ایران است. بهره‌برداری از این فرصت، مستلزم آن است که تهران تنش کنونی را از سطح واکنش به سطح کنش ارتقا دهد و آن را به زمینه‌ای برای چانه‌زنی سازنده بدل کند. موج‌های خروشان امروز را نباید تنها پیش‌درآمد نبردی نهایی دید، بلکه می‌توان آن را نشانه‌ای از زایش دشوار یک تراز تازه قدرت دانست. در پایان، آنچه در پیرامون ایران رخ می‌دهد، فراتر از یک بحران امنیتی منطقه‌ای است. این صحنه، تجسم عینی گذار جهانی قدرت است. از یک سو، خطر یک درگیری گسترده وجود دارد که می‌تواند از کنترل خارج شـود. از سـوی دیگر، همین آشـفتگی می‌تواند زایشـگاه ترتیبات امنیتی تازه‌ای باشـد کـه در آن، قدرت میان بازیگران بیشـتری تقسیم شده است. آمریکا برای حفظ نقش مؤثر خود در این ترتیبات نوین، ناچار به بازتعریف رابطه‌اش با ایران خواهد بود. کار دیپلماسـی ایران، هدایت این گذار به سمتی است که امنیت و منافع ملی کشور در آن به بهترین شکل تأمین شود. شاید تاریخ، این دوره را نه عصر جنگ یا صلح مطلق، بلکه عصر گیر افتادن ابرقدرت‌ها در تله چرخه‌های تکراری قدرت به یاد بیاورد. گذاری دردناک که آغازش نه در اروپا و نه در خاور دور، بلکه در آب‌های همیشه پرتلاطم خلیج فارس رقم خورد. جایی که تاریخ، آرام و بی‌صدا، مسیر جهان را دگرگون می‌کند.

## پیش به سوی حکمرانی یادگیرنده

ادامه از صفحه اول

به‌عنـوان نمونه آیا محدودکردن حق انتخاب شـهروندان و حذف طیف وسـیعی از نامزدها در انتخابات مجلس که منجر به تشکیل مجلسی با کمترین درصد مشارکت و حضور مردم می‌شود، به‌تنهایی نمی‌تواند موجبات ناامیدی مردم به‌ویژه نسل جوان را از اعمال حق مالکیت خود بر کشور فراهم کند؟ چگونه است که فردی با کمترین رأی ممکن به خانه ملت راه می‌یابد و در آن خانه مقدس اولین خواسـته‌اش محدودکردن دسترسـی مردم به فضای مجازی و بسـتن راه دسترسـی آنان بـه جریان آزاد اطلاعات و اخبار است؟! چگونه در جامعه‌ای که اولین خواسته اعضایش ایجاد شرایط رفاهی بهتر برای شهروندان است، اولین خواسته منتخبان همین جامعه در حوزه پوشـش مردم تعریف و تبیین می‌شـود؟ آیا مردم به عمد افرادی را به نمایندگی خود برمی‌گزینند که به‌جای برآوردن خواسـته‌های آنان فقط به فکر پیش‌بردن برنامه حزب خود باشند؟! اینک بعد از چند روز تنش و التهاب در برخی شهرهای کشور، آرامش حکمفرما شده و توطئه دشمنان و بدخواهان کشور نقش بر آب شده است، اما آیا مسئولان و صاحب‌منصبان متوجه این نکته مهم شده‌اند که شـیوه حکمرانی و اداره کشور نیازمند اصلاحات عمیق است تا بتواند از نیروی عظیم و سـازنده جوانان کشور در مسیر توسعه و سـربلندی ایران استفاده کند و اجازه سربازگیری کم‌هزینه و آسان را به بدخواهان ندهد یا اینکه در باز هم بر همان پاشـنه گذشته خواهد چرخید و مدیریت جامعه خود را از برخورداری از تجربیات ناشی از نگاه پیشینی به این حادثه تلخ محروم خواهد کرد؟

«شرق» در گزارشی میدانی از فضای تعطیل و نیمه‌تعطیل چهار دانشگاه تهران گزارش می‌دهد

# درهای بسته دانشگاه

**بیش از ۲۰ هزار دانشجو در سایت «کارزار» کمپینی برای بازگشایی دانشگاه‌ها راه انداخته‌اند آنها می‌گویند، با هیچ بهانه‌ای نباید این حق از دانشجویان سلب شود**

**محمدحسین موسوی:** ساعت ۵ بعدازظهر است. در کتابخانه مطالعات بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نشسته‌ام که ناگهان نیمی از چراغ‌های سالن مطالعه خاموش می‌شود. مسئول کتابخانه که مردی میانسال با کتی قهوه‌ای است می‌گوید: «برای یک نفر نمی‌شود کتابخانه را باز نگه داشت. لطفا به کتابخانه مرکزی مراجعه کنید». وسایلم را جمع می‌کنم و از درِ پشتی خارج می‌شوم. راهروهای دانشکده حقوق و علوم سیاسی با سقف‌های بلندشان تاریک‌اند. جز چند چراغ در نیمه دوم طبقه همکف، همه جا در خاموشی به‌سر می‌برد. در مسیر رسیدن به در خروجی، سرجمع سـه دانشجو می‌بینم و چند نیروی خدماتی. با اینکه در زمان امتحانات ترم اول سال به سر می‌بریم، اما دانشکده در حالت تعطیل به سر می‌برد؛ این تصویر دانشگاه‌های ایران در این روزهاست. از هفته سوم دی‌ماه که ناگهان وزارت علوم خبر از مجازی‌شدن دانشگاه‌ها داد، تمام ساختمان‌ها در سکوت و خاموشی فرو رفته‌اند، در حالی که دانشگاه درست در این شرایط باید نقشش را برای تبدیل‌شدن به محلی برای گفت‌وگو ایفا کند. تصمیم به مجازی‌شدن امتحانات نیز توسط وزارت علوم اعلام شد تا سکوت دانشگاه طولانی‌تر شود. این درحالی است که از ابتدای تشکیل دولت جدید، لزوم نقش‌آفرینی دانشگاه مورد تأکید مسئولین دولت بوده است. مثلا «حسین سیمایی‌صراف»، وزیر علوم، ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ گفته بود: «مؤلفه بعدی گفتمان جدید، مسئولیت اجتماعی دانشگاه است. این مفهوم از ارکان اساسـی دانشگاه نسل چهارم محسوب می‌شود و باید به‌طور جدی به آن بازگردیم. دانشگاه نباید از جامعه گسسته باشد. رابطه دانشـگاه با صنعت، با اخلاق و با ارزش‌های اجتماعی باید حفظ شود. بی‌تفاوتی نسبت به مسائل اجتماعی، خلاف ذات دانشگاه است». با این‌حال اما در برهه‌ای که باید این حرف در عمل ثابت و به دانشگاه فضای نقش‌آفرینی داده می‌شد، تمام درهای آن بسته شد و حتی در برخی دانشگاه‌ها حضور دانشجویان کارشناسی، ممنوع اعلام شده است.

### فضای سرد دانشگاه تهران

در قرائت‌خانـه کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهـران کیفم را روی میز می‌گذارم. جز من، هشـت دانشجوی دیگر در کتابخانه نشسته‌اند و در طبقات و بوفه کتابخانه نیز تک و توک آدم‌هایی در حال رفـت و آمدند. چراغ‌های طبقه اول خاموش اسـت و در طبقه دوم که بوفـه و قرائت‌خانه‌ها قرار دارند نیز فقط بخشـی از چراغ‌ها روشن گذاشته شده است. از در ساختمان خارج می‌شوم و شروع به قدم‌زدن در دانشگاه تهران می‌کنم؛ دانشگاهی که آن را «نماد آموزش عالی» می‌نامند. روبه‌روی دانشکده ادبیات چند دانشجو در حال گفت‌وگو هستند، از آنها می‌پرسم اینجا چه کار می‌کنند. یکی از دختران جواب می‌دهد: «چرا اینجا نباشیم؟ دانشگاه که فقط کلاس درس نیست، فضای گفت‌وگو و جمع‌شـدن ماست». پسـر جوانی که کنار اوست با سـر تأیید می‌کند و می‌گوید: «من می‌خواهم دانشـجو باشم. مثل یک دانشجو زندگی کنم و مثل یک دانشجو بتوانم با دوستانم درباره مطالعاتم حرف بزنم. دانشـجوبودن هم بدون حضور در دانشـگاه، ممکن نیسـت». از پیش آنها می‌روم، در مسـیر سری به دانشکده ادبیات می‌زنم. نه خبری از دانشجوسـت و نه حتی چراغ‌ها روشن است. در انتهای طبقه اول فقط یک پنجره باز اسـت. باد پـرده را تکان می‌دهد. احتمالا برای گردش هوا پنجره را باز گذاشـته‌اند. از دانشکده ادبیات بیرون می‌آیم، قدم‌زنان به سمت دانشکده هنرهای زیبا می‌روم. در مسیر دانشجویانی با کتاب‌هایی در دست یا به سمت کتابخانه مرکزی می‌روند یا کارشان با بخش‌های اداری تمام شـده و به سـمت در خروج در حال حرکت‌اند. در گوشـه و کنار دانشگاه برگ‌های ریخته‌شـده تلنبار شده‌اند و صدای جارویی که روی زمین کشیده می‌شود، در فضای خالی طنینی بلند دارد. در دانشـکده هنرهای زیبا نیز خبری از دانشـجویان نیست؛ در محیط باز روبه‌روی دانشکده هنوز آثاری از هفته دیزاین تهران باقی مانده؛ آثاری که زیر برف و باران در حال زنگ‌زدن‌اند. در کتابخانه این دانشکده فقط سه دانشجو نشسته‌اند.

### ممنوع‌الورودی دانشجویان کارشناسی

بادی سـرد از سـمت تپه‌های اوین می‌آید. شال‌گردنم را بیشـتر دور خودم می‌پیچم. جلوی در دانشگاه شهید بهشتی تعدادی از نیروهای حراست ایستاده‌اند. با کارت یکی از دوستانم وارد دانشگاه می‌شوم. شـیب دانشگاه شهید بهشتی را بالا می‌روم، کتابخانه مرکزی این دانشگاه همیشه در زمان امتحانات ۲۴ سـاعته است، اما گویی امسـال از این تسهیلات و امکانات خبری نیست. «یوسف» یکی از دانشـجویان این دانشـگاه توضیح می‌دهد: «ریاست دانشگاه گفته اسـتانداری به ما دستور داده به‌خاطر کنترل مصرف انرژی زمان اسـتفاده از کتابخانه را به زمان اداری کاهش دهیم. حالا به‌جای ۲۴ سـاعت، کتابخانه فقط سـاعت ۸ صبح تا ۱۷ عصر باز اسـت». در برگه‌ای کوچک روی یکی از بُردهای کتابخانه نیز این زمان‌بندی جدید قید شـده است. در کتابخانه تعداد دانشجویان زیاد نیست، این برخلاف سـال‌های گذشته است که همیشـه کتابخانه این دانشگاه مملو از دانشجو بود. یکی از دلایل، ممنوع‌الورودشـدن دانشجویان کارشناسی است که با مجازی‌شدن امتحانات اجازه حضور در دانشگاه را ندارند. «یوسف» ادامه می‌دهد: «ورود دانشجویان کارشناسی نه‌فقط به دانشگاه، که حتی برای اسـتفاده از کتابخانه هم ممنوع است. وقتی اعتراض کردیم، حراست گفت ما چنین تصمیمی نداریـم و با ارائه کارت دانشـجویی به افـراد برگه ورود و خروج می‌دهیم و اجازه ورود هسـت. اما در واقعیت به این حرف عمل نمی‌کنند». این ممنوع‌الورودی آسـیب‌های زیادی برای دانشـجویان داشته است. «مهسا» دانشجوی سـال دوم کارشناسی است و می‌گوید: «می‌دانم خیلی از دوستانم از این وضعیت افسـرده شـده‌اند. در روزهایی که همه غمگین و مضطرب‌اند، دانشگاه فضایی برای جمع‌شـدن و سـوگواری جمعی به ما می‌داد. الان نیاز به در کنار یکدیگر بودن داریم». با گفتن این حرف‌ها، بغض گلویش را می‌گیرد: «دانشگاه برای ما شبیه خانه است. جایی برای اینکه بتوانیم حرف بزنیم، یاد بگیریم و پیشرفت کنیم». همین مسئله منجر شد تا «شورای صنفی دانشگاه شهید بهشتی» نامه‌ای سرگشاده به وزیر علوم بدهد. در این نامه آمده است: «تصمیمات اخیر هیئت‌رئیسه دانشگاه، از ممنوعیت ورود دانشجویان کارشناسی تا تعطیلی ناگهانی فضاهای مطالعاتی، بستن قرائت‌خانه‌ها، لغو خدمات رفاهی، تخلیه خوابگاه و آشـفتگی کامل در شیوه و زمان برگزاری امتحانات، توهین به دانشجوسـت، برخلاف هر اصل و شیوه اداره نهاد دانشگاه و برخلاف بدیهی‌ترین حقوق دانشجویان اسـت. این تصمیمات بدون اطلاع‌رسانی و کاملا برخلاف مذاکرات با شورای صنفی اتخاذ شده‌اند». در این نامه، شـورای صنفی به نمایندگی از دانشـجویان به حذف دانشـجویان اعتراض کرده است:

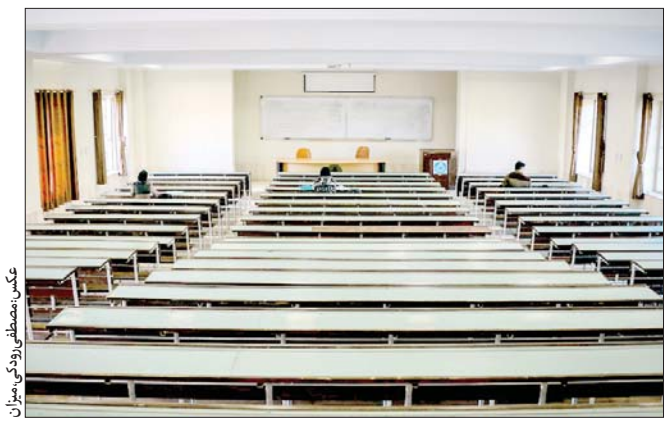

عکس: مصطفی رودکی، میزان

«دانشـگاه یک فضای اجتماعی اسـت برای باهم‌بـودن. قفل‌کردن درهای دانشـگاه، تعطیل‌کردن خوابگاه‌ها و بستن فضاهای مطالعاتی، نه «تدبیر شرایط» است و نه «مدیریت منابع»؛ حذف آگاهانه دانشجو از محیط دانشگاه است و دانشگاه بدون دانشجو هیچ است». اما این نامه سرگشاده و قانونی از طرف یک نهاد رسـمی نیز مورد پذیرش مدیران دانشگاه شهید بهشتی قرار نگرفته. فعالان صنفی این دانشـگاه می‌گویند حراسـت آنها را تهدید به شـکایت کرده و همین‌طور دستور به حذف نامه و حضور در دفتر حراسـت برای پاسـخ‌گویی داده است و فارغ از این تهدیدها، شورای صنفی و بالطبع تمام دانشـجویان را از حضور در جلسات تصمیم‌گیری و اظهارنظر درباره مصوبات منع کرده‌اند. اما نگاهی به وضعیت دانشگاه شهید بهشتی نیز حرفی برخلاف گفته شورای صنفی را نشان نمی‌دهد. درِ ورودی بیشتر دانشکده‌ها یا بسته است یا سیستم‌های گرمایشی و چراغ‌های آن خاموش.

«پردیس شـهید رضایی‌نژاد دانشگاه خواجه‌نصیر» در خیابانی طولانی و خلوت قرار دارد. اطراف این دانشـگاه پر از زمین‌های خالی اسـت. جلوی در، حراست دانشـگاه اجازه ورود می‌دهد. ماکت هواپیمای ملخی قرارگرفته در میدان وسـط دانشـگاه، به خاطر برفی که هفته گذشته بارید، قندیل بسـته است. در گوشـه و کنار مسـیر و پله‌ها، زمین یخ زده. قبلا که به این دانشـگاه آمده بودم، به واسـطه قرارگرفتن خوابگاه و چهار دانشکده در نزدیکی یکدیگر، دانشـجویانی زیادی روی پله‌ها و نیمکت‌ها نشسته بودند، اما حالا دانشگاه خلوت و خالی از دانشجوست. در دانشکده هوا و فضا، جز چراغ‌های لابی، نورهای طبقات خاموش است. همین‌طور در کتابخانه جز تعدادی دانشجو، خبری از دانشـجویان دیگر نیست. دانشکده‌های شیمی، فیزیک و ریاضی نیز در این پردیس قرار دارند، اما این دانشـکده‌ها نیز خلوت است. روی نیمکتی می‌نشینم و به این فضای خالی نگاه می‌کنم؛ فضایی که همیشه محل حضور و جمع‌شدن دانشجویان است، حالا محیطی خالی و بی‌سروصداست.

### خاموشی مطلق

نصف حفاظ در کشیده شده و فقط یک در برای ورود باز است. باد، پرچم‌های ایران نصب‌شده بر روی دیوار سفید و رنگ و رو رفته دانشکده را در هم پیچانده. اینجا «دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی است»؛ دانشکده‌ای که همیشه در برابر اتفاقات اجتماعی با برگزاری تجمع و جلسات گفت‌وگو و بررسـی، واکنش نشان داده و حالا خالی است. مسئول حراست می‌گوید: «اگر با آموزش کار دارید، بفرمایید. کتابخانه امروز ساعت ۱۵ بسته می‌شود». این در حالی است که در دوره برگزاری امتحانات، سـاعت کار کتابخانه را کم که نه، بیشتر می‌کنند. وارد راهرو می‌شوم، صندلی‌های سفید روی میزهای قرمز برعکس گذاشـته شده و در حیاط چند گلدان خشک شده‌اند. در اتاق انجمن‌های علمی و تشکل‌های سیاسـی، خبری از حضور دانشجویان نیست. فقط سه دانشجو در حیاط سمت راسـت در حال چای‌نوشیدن هسـتند. حتی بوفه نیز بسته اسـت. یکی از این دانشجویان می‌گوید: «همه‌جا بسته است. اسـتادان نیز معمولا دیگر دانشکده نمی‌آیند». او به دستگاه خودکار قهوه‌ساز اشـاره می‌کند: «حتی دستگاه قهوه‌ساز هم خاموش اسـت». از پله‌ها بالا می‌روم، در دانشکده هوا حتی از بیرون سردتر است، جز یک اسپیلت در طبقه سوم، در سایر جاهای دانشکده تمام گرماسازها خاموش اسـت. در راهروهای بلند و سـفید دانشـکده به‌جز دفتر آموزش، درِ هیچ‌یک از اتاق‌ها باز نیسـت. وارد راهرو استادان می‌شـوم، تمام چراغ‌ها خاموش است و راهرو در تاریکی فرورفته. فقط صدای دسـتگاه دریل از یکی از اتاق‌ها می‌آید. از پنجره راه‌پله به پارک روبه‌رو نگاهی می‌اندازم. این پارک برای دانشجویان مثل حیاط است، محلی که همیشه دانشجویانی در آن در حال گپ‌زدن هستند. اما حالا جز دو نفر که در حال گرداندن سگ‌شان هستند و چند نفر دیگر، در پارک خبری نیست.

### درخواست بیش از ۲۰ هزار دانشجو: دانشگاه را بازکنید

۸ بهمن‌ماه در سـایت کارزار کمپینی برای بازگشایی دانشگاه‌ها و اعتراض به تداوم مجازی‌بودن آن از طرف تعدادی از دانشـجویان دانشـگاه تهران شـروع به کار کرد. تا ۱۰ بهمن، بیش از ۲۰ هزار دانشجو نام و امضای خود را زیر این نامه اعتراضی که خطاب آن به وزیر علوم و معاونان آموزشی و فرهنگی وزارت علوم بود، ثبت کرده‌اند. در متن این نامه آمده: «هم ما و هم شـما می‌دانیم آموزش مجازی در عمل به معنای نبود دسترسـی دانشجویان به امکانات آموزشی و رفاهی دانشگاه است و فرقی با تعطیلی دانشـگاه ندارد. دانشگاه از اساس تعطیلی‌پذیر نیست و حضور فیزیکی در دانشگاه بدیهی‌ترین و حداقلی‌ترین حق دانشـجویان است. در هیچ شرایطی و به هیچ بهانه‌ای نباید این حق از دانشـجویان سلب شـود. برون‌سـپاری تصمیم حضوری یا مجازی‌بودن آموزش به مسئولان هر دانشـگاه، شانه خالی‌کردن وزارت علوم از زیر بار مسـئولیت‌هایش است». این دانشجویان در ادامه بر مسئولیت‌پذیری وزارت علوم تأکید کرده‌اند و سه مطالبه خود را بیان کرده‌اند: «۱. مسئولیت‌پذیری وزارت علـوم در قبال تصمیم حضوری یا مجازی‌بودن آموزش. ۲. شـروع نیم‌سـال دوم تحصیلی، بلافاصله پس از امتحانات نیم‌سـال اول. ۳ . تضمین وزارت علوم برای برقراری دانشـگاه به صورت حضوری و امکان استفاده همه دانشجویان از همه بخش‌های آموزشی و رفاهی تحت هر شرایطی».

گزارش «شرق» از شرایط کادر درمان در اتفاقات اخیر

# چالش سوگند پزشکی

**مریم لطفـی:** در هفته‌های اخیـر هم‌زمان با اتفاقـات رخ‌داده، روایت‌هایـی از درون مراکز درمانی و مطب‌ها منتشـر شـده که از سخت‌ترشـدن شـرایط درمان مجروحان و افزایش فشارهای غیرپزشـکی بر کادر درمان حکایت دارد. گزارش‌هایی که اگرچه اغلب به‌صورت غیررسـمی و بدون ذکر نام منتشر می‌شوند، اما تکرار و هم‌زمانی آنها، توجهات را به خود جلب کرده است.

براسـاس گزارش‌های منتشرشـده در دو تا سه هفته گذشته، شماری از پزشکان و پرستاران گفته‌اند در جریان درمان مجروحان اعتراضات، با تماس‌های هشـدارآمیز مواجه شـده‌اند. در برخی موارد، وضعیت به‌گونه‌ای توصیف شده که فضای تصمیم‌گیری حرفه‌ای پزشک را با ملاحظات خاص گره زده است.

چند روز قبل قاسـم فخرایی، رئیس بیمارستان فارابی تهران اعـلام کرده بود پس از ۱۸ دی، یعنـی از اوایل صبح جمعه (۱۹ دی)، تعداد بیماران با پارگی چشمی به طور چشمگیری افزایش یافـت. به گفتـه او، متأسـفانه ۱۷ بیمار از ناحیه هر دو چشـم آسـیب دیده بودند و بیش از ۷۰۰ بیمار تا صبح شـنبه (۲۰ دی) به بیمارسـتان مراجعـه کردند. ۱۹۶ نفر از این بیماران به سـایر بیمارستان‌های تخصصی چشم‌پزشکی تهران ارجاع داده شدند و در مجموع، حدود هزار بیمار نیازمند عمل جراحی اورژانسی در بیمارستان فارابی حضور داشتند. این آمار صرفا شامل پارگی‌های جدی چشـم است و موارد دیگر مانند پارگی پلک یا بیمارانی که هنوز نیاز به جراحی نداشتند، در آن محاسبه نشده است.

این پزشـکان همگـی بر یـک نکته مشـترک تأکیـد دارند: درخواست اکید برای حفظ ناشناس‌بودن است. در عین حال، آنها از فشار روانی سنگینی سخن می‌گویند که طی این مدت متحمل شده‌اند؛ فشاری که به باورشان، یادآور تجربه سال‌های همه‌گیری کروناسـت: «در دوران کرونا هم کادر درمـان در خط اول بودند، فشارهای زیادی را تحمل کردند و حتی جانشان را از دست دادند. حالا تکرار دوباره این وضعیت، آن هم با جنس دیگری از فشـار، شرایط را برای بسیاری از همکاران بسیار دشوارتر کرده است».

### نظام پزشکی: درمان، بی‌قید و شرط است

تجربه میدانی برخی پزشکان نشان می‌دهد در عمل، فشارها و تهدیدهای غیررسـمی مانع مراجعه بیماران به مراکز درمانی می‌شد. با این حال، ۲۵ دی و چند روز پس از اوج‌گیری اعتراضات، رئیس سازمان نظام پزشکی از مصدومانی که در حوادث اخیر به هر دلیلی به مراکز درمانی مراجعه نکرده بودند، درخواست کرد درمان خود را پیگیری کنند. موضع رسـمی وزارت بهداشت هم تصویر متفاوتی از وضعیت ارائـه می‌دهد؛ تصویری که بر تداوم ارائه خدمـات درمانی و ایفای بی‌قید و شـرط وظایف حرفه‌ای از سـوی کادر سـلامت تأکیـد دارد. چند روز پیـش، محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشـت، درمان و آموزش پزشـکی، در پیامی رسمی از تلاش‌های کادر سلامت در جریان حوادث اخیر قدردانی کـرد. او در این پیام، با اشـاره به «حوادث سـخت و دردناک ایام اخیر» و جان‌باختن شماری از هم‌وطنان، از «تلاش سترگ و رفتار حرفه‌ای و ایثارگرانه کادر درمان برای نجات جان هزاران مجروح در شهرهای مختلف» قدردانی کرده است. وزیر بهداشت در این پیام، حضور پرسـنل اورژانس در «صحنه‌های خطیر خیابانی» و فعالیت پزشـکان، پرستاران و کارکنان بیمارسـتان‌ها را «فراتر از وظایف معمول» توصیف و تأکید کرده بود جامعه پزشکی کشور در این مقطع نیز «نجات بدون تفاوت و بی‌قید و شرط جان انسان‌ها و تسکین آلام مردم را سرلوحه اقدامات خود قرار داده» و به وظایف انسـانی و حرفه‌ای خود پایبند مانده است.

ادامه در صفحه ۶

خبرخوان

## پیگیری وضعیت ۱۷ پزشک دارای پرونده قضائی

رئیس کل سازمان نظام پزشکی با اشاره به پیگیری وضعیت ۱۷ عضو سازمان نظام پزشـکی دارای پرونده قضائـی و امنیتی تأکید کرد: «بازداشـت این افـراد به‌دلیل انجـام اقدامـات درمانی صـرف نبوده و تاکنـون نیز هیچ حکم قطعـی برای آنها صادر نشده اسـت». محمد رئیس‌زاده در پاسخ به طرح مباحثی مبنی بر دستگیری چند نفر از اعضای جامعه پزشکی به‌دلیل مداوای مجروحان حوادث اخیر، به گزارش معاونت اجتماعی سـازمان نظام پزشکی در همین زمینه اشاره کرد و گفت: «۱۷ نفر از اعضای سازمان نظام پزشکی به دلایلی دچار مشـکلات قضائی و امنیتی شدند که مورد به مورد آنها را بررسـی و جمع‌بندی کردیـم». او دربـاره آخریـن وضعیت این ۱۷ عضو سـازمان نظام پزشکی نیز گفت: «تـا الان هیچ حکم قطعی درباره کسـی صادر نشـده اسـت و پرونده‌ها در مرحله بازرسـی هسـتند. مجددا تاکیـد می‌کنم بازداشـت به‌خاطر درمان صـرف نبوده و قبول هـم نداریم پزشـکی به‌دلیل اقدام درمانی بازداشـت شـود. درعین‌حال اگر موردی وجـود دارد که پزشـکی به‌خاطر اقدام درمانی صرف بازداشـت شده، حتما موضوع را به ما خبر دهند».

## احیای برخی پناهگاه‌های مدارس

**ایسنا:** سخنگوی وزارت آموزش و پرورش درباره وجـود پناهگاه در مـدارس گفت: «تعـدادی از مـدارس مجهز بـه پناهگاه هسـتند و در جنـگ ۱۲روزه تلاش کردیم تعـدادی از آنها را احیا کنیم که در صورت بروز مخاطره، اسـتفاده شود. در مدارسی که پناهـگاه وجود نـدارد بایـد در آینده تدابیری اندیشـیده شـود». علی فرهادی ادامه داد: «همه اینها براسـاس شـرایط و اقتضائات در محل باید بررسـی شـود، چـون در مـدت کوتاهی امکان سـاخت پناهگاه وجود ندارد؛ بنابراین باید مدیریت شود که کمترین آسیب به وجود آید؛ یکی از آنهـا تعبیـه راه‌های دیگـر آموزش در صورت بروز مشکل اسـت». او با اشاره به تدوین دستورالعمل‌های لازم برای شرایط اضطراری آموزش گفت: «در صورت بروز هرگونه مخاطـره، آموزش از مسـیرهای مختلف از جمله شـاد، مدرسه تلویزیونی ایران و آموزش آفلاین دنبال خواهد شد».

## احتمال شروع پیک بعدی آنفلوانزا

**ایسـنا:** رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیـر وزارت بهداشـت بـا بیـان اینکه وضعیت کنونـی آنفلوانزا در کشـور به کمتر از محدوده آسـتانه هشدار رسیده، گفت: «احتمال پیک دیگـری از آنفلوانزا وجود دارد که ممکن است از اواخر بهمن شروع شـود و تا نیمه یا انتهای فروردین نیز ادامه یابد». قباد مرادی درباره آخرین وضعیت عفونت‌های تنفسـی در گردش در کشـور توضیـح داد: «نتایج سیسـتم رصـد عفونت‌هـای تنفسـی در گردش بیانگر این اسـت که نسـبت موارد دارای علائم عفونت‌های تنفسـی در بین تمام مراجعـان سـرپایی و بسـتری از ۲۷ دی تا ۳ بهمن نسـبت به چند هفته گذشـته کاهش یافته اسـت». او با بیان اینکه این نسبت که طی هفته‌های گذشته به بیش از ۱۶ درصد نیز رسیده بود، ادامه داد: «در حال حاضر، این نسـبت در بین مراجعان سرپایی و بستری به ترتیب به ۹.۹ و هشت درصد رسـیده و همچنین نسـبت موارد مثبت آنفلوانزا و کووید ۱۹ در بین کسانی که علائم عفونت‌های تنفسی دارند نیز به ترتیـب ۳.۸ و کمتر از یک درصد رسـیده است». به گفته او، سوش غالب آنفلوانزا در کشـور، آنفلوانـزای نـوع A زیرگروه (سـاب‌تایپ) H3N2 اسـت. او بـا بیان اینکه برخی استان‌های کشور هنوز تست مثبت آنفلونـزای بالاتری دارنـد، افزود: «در هفته منتهی به سوم بهمن، آنفلوانزا در اسـتان‌های آذربایجان غربی، گلستان و کهگیلویه‌وبویراحمـد دو برابر آسـتانه هشـدار بالا و در اسـتان‌های آذربایجان شـرقی و هرمزگان نیز ۱.۵ برابر آسـتانه هشـدار بالاسـت. همچنین سـه استان کرمانشـاه، مازنـدران و گیلان با آسـتانه هشـدار برابر است». رئیس مرکز مدیریت بیماری‌هـای واگیـر وزارت بهداشـت درباره پیک احتمالـی بعدی آنفلوانزا نیز توضیح داد: «براساس الگوی آنفلوانزا در سال‌های پیشین در کشـور، احتمال پیک دیگـری از آنفلوانزا وجود دارد که ممکن است از اواخر بهمن شروع شود و تا نیمه یا انتهای فروردین ادامه یابد».